

بررسی‌های مقدماتی انجام‌شده نشانگر برخی از تحولات هویتی جوانان انقلاب اسلامی است که بعضاً مثبت ارزیابی نمی‌شود، از آنجا که عوامل تاریخی، فرهنگی و اجتماعی، آثار مهم و قابل توجهی در جهت هویت‌بخشی جوانان دارند و نیز با توجه به ضعف الگوبرداری از نمونه‌های جهادی، این پژوهش به دنبال آن است تا اثر این الگوها را در هویت‌بخشی به جوانان مورد مطالعه قرار دهد. در مرحله نخست پس از انجام ۸۰ مصاحبه با چهره‌های کلیدی جهاد سازندگی در دوران جنگ، خلایق‌های رزمی مهندسی جهاد سازندگی در آن دوران احصا شد. در مرحله بعد از ۱۱۰ نفر از دانشجویان خواسته شد تا ارزشیابی خود را در مورد جهاد سازندگی ارائه کنند. آنگاه بعد از ارائه قریب به ۲۰۰ تصویر از دستاوردهای خلاق رزمی - مهندسی جهاد سازندگی به آنان، از دانشجویان مجدداً درخواست شد تا ارزشیابی خود را از جهادگران مطرح سازند. تحلیل مضمون انجام‌شده در بررسی یک گروه با خودش، اثرگذاری قابل توجه آگاهی جوانان از دستاوردهای جهادگران بر جریان هویت‌یابی آنان را نشان داد. در ادامه با تبدیل داده‌های کیفی حاصله به داده‌های کمی، تفاوت معنادار نتایج مشخص شد. بنابراین به نظر می‌رسد با استخراج الگوهای مختلف جهادی و ارائه عینی و ملموس آنان به جوانان، می‌توان در تحول هویتی آنان تأثیر مثبتی برجای نهاد.

■ واژگان کلیدی:

جهاد سازندگی، هویت، الگو، دانشجو

## نقش الگوهای جهادی در تعمیق ریشه‌های هویتی جوانان

مر نضی منطقی

استاد دانشگاه خوارزمی

mehran\_manteghi@yahoo.com

## ۱. مقدمه و طرح مسئله

برخی از بررسی‌های انجام‌شده دلالت بر آن دارند که جوانان ایرانی طی دو سه دهه اخیر تحول‌های هویتی قابل توجهی را تجربه کرده‌اند که در غالب موارد اولیای فرهنگی نظام این تحول‌ها را مثبت ارزیابی نمی‌کنند.

در تبیین تحولات هویتی جوانان ایرانی می‌توان به میزان زیادی این تحولات را نشئت گرفته از سوابق تحصیلی جوانان، سوابق تربیتی آنان، ویژگی‌های روان‌شناختی جوانان ایرانی، تحول‌های فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی جوانان، سرخوردگی‌های اقتصادی - اجتماعی - عقیدتی، وقوع گسست و شکاف نسلی و فضای جهانی‌شده دانست. سوابق تحصیلی جوانان، حاوی آموزشی تجربی است که این تجربیات، در تقابل با نظام آموزشی مبتنی بر تعبدگرایی حوزه قرار دارد و جوانان به همین دلیل، به‌سادگی در برابر آموزه‌های تعبدی سر فرود نیآورده، تمایل دارند که صحت آموزه‌های اخیر را بعضاً از گذر تجربه به‌دست آورند.

در عوامل تربیتی مؤثر در تغییر روابط اجتماعی و سبک زندگی جوانان، مواردی مانند تلاش بر جامعه‌پذیری مبتنی بر زور، تلاش در نگاه داشتن جوانان در اخلاق دیگرپیرو، نفی شک‌گرایی جوانان، عدم پذیرش روحیه خودپیرو جوان، تردید در پذیرش استقلال‌طلبی جوان، نفی ریشه‌های تاریخی هویتی جوان و بحران هویت جوان ایرانی (منطقی، ۱۳۷۹؛ ۱۳۸۱ الف؛ ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۳ الف؛ ۱۳۸۳ پ و ۱۳۸۸ الف) و نظایر آن، قابل احصا است. مضاف بر آنچه از آن یاد شد، عدم بسترسازی فرهنگی برای کاربری از فرصت‌های فضای مجازی به‌جای کاربری از تهدیدهای آن (منطقی، ۱۳۸۳، الف؛ ب؛ پ؛ ج و چ)، از دیگر موارد مهمی است که باید در این قسمت از آن یاد کرد. مجموعه موارد فوق در شکل دادن به هویت ژلاتینی جوان انقلاب اسلامی، مؤثر بوده است.

در تحول‌های فرهنگی مؤثر بر روابط اجتماعی و سبک زندگی جوان ایرانی، از موارد قابل تأملی همچون افسردگی اجتماعی، هیجان‌جویی مرضی، عشق بیمارگون، پناه بردن به فضای مجازی (منطقی، ۱۳۸۳ الف؛ ب و پ)، می‌توان نام برد. علاوه بر این، موارد دیگری مانند ارتباط عاطفی اندک با جنگ و انقلاب، استقبال از فرهنگ فردگرا به‌جای فرهنگ جمع‌گرا، توجه به هر دو بُعد فرهنگ ایرانی - اسلامی، هنجارآفرینی‌های جدید، استقبال از فناوری‌های ارتباطی جدید، تأثیرپذیری گسترده از اینترنت، ماهواره، تلفن همراه و بازی‌های رایانه‌ای، کنار نهادن نظریه تهاجم فرهنگی و پذیرش نظریه تبادل

فرهنگی، استقبال از الگوهای عمدتاً خارجی، استقبال از فرهنگ جهانی، مقاومت فرهنگی (ابراز نظرات سیاسی در پوشش رفتارهای فرهنگی، مانند استفاده از مدها و پوشش‌های غیرمتعارف، برخورد لجاجت‌آمیز با نمادهای نظام و نظایر آن) (منطقی، ۱۳۷۲ الف؛ ۱۳۸۳ ج و د؛ ۱۳۸۸ ب و ۱۳۸۹)، در این عرصه قابل توجه است.

همچنین بر این فهرست مواردی مانند نفی آرمان‌گرایی‌های غیرواقع‌نگر، جابه‌جایی رویکرد دینی به مسائل به رویکرد علمی، فرهنگی، هنری و اجتماعی، اتخاذ رویکرد انتقادی به مسائل، ترجیح مصالح فردی به جای مصالح جمعی، کاهش تبعیت از بزرگ‌ترها، پا به عرصه نهادن گسترده‌تر زنان، فراگیرتر شدن اندیشه‌های برابرطلبی زنان با مردان، استقبال از روابط دو جنس، ارزش شدن روابط عمیق دو جنس، استقبال از تجربه‌گرایی، پذیرش اندیشه رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی، استقبال از مُد و مُدگرایی، سنت‌شکنی (منطقی، ۱۳۸۳ الف؛ ب؛ پ؛ ل و ۱۳۸۴) و نظایر آنها را می‌توان افزود.

وقوع گسست و شکاف نسلی، از رخداد‌های مهم اجتماعی قابل توجه است. تفاوت قرائت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و عقیدتی نسل جوان با نسل بزرگسال از سویی و شکل‌گیری تدریجی انقطاع گفت‌وگو بین نسلی که در پی کاهش گفت‌وگو بین‌نسلی رخ داده است، از تبعات قابل توجه و درخور بررسی است. (منطقی، ۱۳۸۳ الف؛ ب؛ پ و ۱۳۸۸ ب)

رفیع‌پور (۱۳۷۸) در کتاب «آنومی یا آشفتگی اجتماعی» با طرح آنومی یا هرج و مرج اجتماعی در شرایط تأکید بر توسعه اقتصادی برون‌زا، نابرابری، فساد اقتصادی و جابه‌جایی نظام ارزشی جامعه، خاطرنشان می‌سازد، مهار فرایند آشفتگی اجتماعی در حالی که بسترهای اصلی آن نادیده گرفته شود، با توسل به مواردی مانند نیروی انتظامی، شبیه دادن قرص مسکن به بیماری است که تنها تسکینی موقت برای وی فراهم می‌آورد. در تحول‌های عقیدتی جوان انقلاب اسلامی که در تغییر روابط اجتماعی و سبک زندگی آنها مؤثر بوده است، مواردی نظیر عدم استقبال از رویکرد دینی به مسائل، ترجیح رویکرد اجتماعی به دین به جای رویکرد فردی به دین، ترجیح رویکرد عرفانی به دین به جای رویکرد صوری و ظاهری به دین که در احکام خلاصه می‌شود، ترجیح مرجعیت علمی و هنری به مرجعیت دینی، تأویل‌گرایی در برابر تفسیر سنتی دین توسط بزرگسالان، استقبال از اخلاق اجتماعی و غیرآرمان‌گرا به جای اخلاق آرمان‌گرا، استقبال از رویکرد تحقیقاتی نسبت به دین، نفی تحمیل دین بر جوانان، کاهش ابعاد پیامدی و مناسکی،

کاهش تعصب‌های دینی، به چالش گرفتن احکام جنسیتی اسلام، برخورد گزینشی با دین، مُد شدن بی‌اعتقادی (منطقی، ۱۳۷۲؛ ۱۳۷۸؛ ۱۳۸۱ ب و ۱۳۹۲)، از موارد مهمی است که باید بدانها توجه کرد.

رفیع‌پور (۱۳۷۶) در همین ارتباط در کتاب «توسعه و تضاد» می‌نویسد، فشار هنجاری و کنترل درونی که در زمینه رعایت حجاب در سال‌های دهه شصت وجود داشت، در دهه هفتاد بسیار کاهش یافت و بالطبع احترام به زنان باحجاب نیز پایین آمد، زیرا وقتی ارزش‌های یک جامعه تغییر کند و از ارزش مذهبی به طرف ارزش غیرمذهبی برود، یعنی ارزش‌های مذهبی از نظر اجتماعی کم‌ارزش شوند، طبعاً دارندگان نمادهای آن (از جمله حجاب) نیز از نظر افراد کم‌ارزش می‌شوند.

در تحول‌های سیاسی مؤثر در تغییر روابط اجتماعی و سبک زندگی جوان ایرانی، می‌توان از این موارد نیز یاد کرد: اعتقاد جوانان به فروریزی آرمان‌شهر نسل‌های اول و دوم انقلاب، نفی آرمان‌گرایی‌های غیرواقع‌نگر، کاهش تبعیت از رهبران، تردید نسبت به دیدگاه‌های رهبران سیاسی و حکومت دینی، دید انتقادی نسبت به جنگ تحمیلی، تمایل به حکومت دموکراتیک و دید تقریباً مثبت نسبت به غرب. (منطقی، ۱۳۷۴؛ ۱۳۸۳ الف؛ ب و پ)

در ارتباط با دیدگاه اقتصادی جوان انقلاب اسلامی، می‌توان از ناامیدی جوان نسبت به فرصت‌های شغلی و حرفه‌ای مورد نظر در زندگی آینده، اعتقاد به مشکلات عدیده اقتصادی جامعه، اقتصاد مبتنی بر امتیازطلبی، اقتصاد نایمن و پرچالش، مشکلات معیشتی و مسکن و کمبود امکانات رفاهی شهروندان در جامعه، یاد کرد. مجموعه موارد اخیر، در ارتباط با ابعاد اقتصادی جامعه، دیدی منفی در این زمینه را برای جوان انقلاب اسلامی رقم می‌زنند. سرانجام جهانی شدن، فضای خاصی برای جامعه و جوانان آن پدید آورده است که بعضاً در تضاد و تخالف با نقطه نظرات رسمی ارائه شده در زمینه‌های فکری، فلسفی، فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی است. افزایش سطح توقعات افراد، افزایش تسامح، فردگرایی و برهنه‌گرایی، از ویژگی‌های شاخص این فضای جهانی شده به‌شمار می‌رود. (منطقی، ۱۳۸۳ ن) نتیجه آنچه از آن یاد شد، در مرتبه نخست شکل‌گیری هویت خاصی در میان جوانان است که تعبیر هویت ژلاتینی از آن، شایسته می‌نماید. در مرتبه بعد، موارد اخیر در تغییر روابط اجتماعی و سبک زندگی جوان ایرانی به‌شدت مؤثر واقع آمده‌اند. جوان ایرانی، در عین سردرگمی و ابهام، باهوش، نوگرا و خلاق و آزادی‌خواه است. فناوری‌های ارتباطی را شناخته و از آنها در جهت پیشبرد اهداف خویش، سود می‌جوید. جوان نسل حاضر در

عین تجربه‌گرایی و علم‌گرایی، با دید انتقادی به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی خویش می‌نگرد، وی با بی‌اعتمادی به رهبران و بزرگسالان جامعه نگریده، از هنجارشکنی و کنار نهادن سنت، کم و بیش استقبال می‌کند. غالباً اهل مُد، رفاه، تفریح و تنوع، لذت‌طلبی، تجمل‌گرایی و راحت‌طلبی است، با نگاه مثبتی به غرب و دستاوردهای علمی و فرهنگی - اجتماعی آن (مانند فمینیسم) می‌نگرد و به میزان قابل توجهی از اندیشه‌های آرمان‌گرایانه، فاصله گرفته است. (منطقی، ۱۳۸۳ م)

جوان نسل حاضر، ضمن فاصله گرفتن نسبی از اندیشه‌های آرمانی، تا حدودی جای اخلاقیات آرمان‌گرای دینی را با اخلاق اجتماعی عوض کرده، با فاصله گرفتن نسبی از اندیشه‌های انقلابی، از رویکردهای اجتماعی کم‌هزینه و پرسود، استقبال می‌کند و مهم‌تر از همه، جوانی که با ویژگی‌های اخیر، دست به بازنگری و بازتعریف برخی از ابعاد دینی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مرسوم جامعه‌اش زده است، قرائت و نگرش دینی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جدیدی را از خود به معرض دید نهاده است.

از این‌رو، با توجه به اینکه عوامل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی آثار مهم و قابل توجهی در جهت هویت‌بخشی جوانان دارند، نگارنده بر آن شد تا با استخراج برخی از الگوهایی که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته، دست به احصای خلاقیت‌های جهادگران جهادسازندگی در دوران جنگ ایران و عراق زده، آثار ارائه الگوهای جهادگر را به دانشجویان مورد بررسی قرار دهد.

## ۲. ادبیات پژوهش

بحث هویت و بحران هویت در روان‌شناسی معاصر، به اریکسون<sup>۱</sup> بازمی‌گردد. وی در جریان ترسیم پنجمین پله از نردبان تحولی که طی نظریه خویش پیشنهاد می‌کند، از مرحله هویت‌یابی نوجوانان و جوانان در برابر پراکندگی هویت آنان یاد می‌کند. به‌نظر اریکسون نوجوانان و جوانان در مقطع ۱۲-۱۸ سالگی از عمر خویش، در برابر بسیاری از پرسش‌های اساسی قرار می‌گیرند که باید پاسخی درخور بدانها ارائه کنند و پاسخ مناسب و مقتضی به اقتضائات درونی فرد، بحران موجود در دوره را حل کرده، فرد به مرحله تحولی بعد می‌رسد، اما عدم حل مناسب و مقتضی نیازهای درونی فرد، موجبات سرگشتگی هویتی وی را فراهم خواهد کرد. (سانتروک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸ الف)

1. Erikson

2. Santrock

اریکسون طی آثاری که در سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۷۵ منتشر ساخت، در تبیین چگونگی شکل‌گیری هویت، همزمان با عوامل روانی مؤثر در شکل‌گیری هویتی فرد، به عوامل تاریخی و اجتماعی نیز توجه کرده به آنها اشاره می‌کند. وی در تبیین نقش عوامل تاریخی در جریان هویت‌یابی افراد بیان می‌دارد:

شکل‌گیری هویت در جوامع ماقبل صنعتی، خیلی ساده صورت می‌پذیرفت، اما جوامع با ورود به دوره صنعتی، از ویژگی‌های مهم و متفاوتی برخوردار شده‌اند که گستردگی امکان عمل و میزان انتخاب‌های افراد در این جوامع از ویژگی‌های بارز این دست از جوامع به‌شمار می‌رود. بنابراین افرادی که در جوامع جدید زندگی می‌کنند، برخلاف کسانی که به‌دلیل محدودیت انتخاب‌های‌شان، روند ساده‌ای را در جریان هویت‌یابی خویش طی می‌کردند، به‌دلیل فزونی گرفتن شقوق فراروی‌شان برای انتخاب، در عمل مسیر هویت‌یابی را با پیچ و خم‌های بیشتری طی می‌کنند. (شافر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶)

از سوی دیگر اریکسون با اشاره به عامل جامعه، خاطر نشان می‌سازد، سرگشتگی هویتی، اساساً بحثی است که باید آن را در جوامع دموکراتیک جست‌وجو کرد و در جوامعی که زیر سیطره دیکتاتوری به‌سر می‌برند، جوانان از فرصتی که به تأمل و تأنی در ابعاد هویتی خویش بپردازند، بی‌بهره می‌مانند. وی به‌عنوان شاهد مثال، با اشاره به نظام هیتلری تأکید می‌ورزد، در دوره نازی‌ها در آلمان، هویت مطلوب طبع نوجوانان و جوانان به‌نحای گوناگون از سوی مراجع رسمی قدرت بدانها القا می‌شد و آنان در عمل حقی در انتخاب ابعاد هویتی خویش نداشتند. (سانتروک، ۲۰۰۸ الف)

جیمز مارسیا<sup>۲</sup> با الهام از نظریه اریکسون در مورد هویت و بحران هویت، طی سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۸۰ کوشید تا تصویر روشن و عملیاتی‌تری از هویت را به‌دست بدهد. وی با استفاده از مفاهیم اکتشاف و تعهد که اریکسون در نظریه خویش از آن یاد کرده بود، به طرح چهار حالت هویت محقق، هویت در راه تحقق، هویت زود بسته شده و هویت مغشوش دست زد. افرادی که دارای هویت محقق‌اند، به اکتشاف لازم دست‌یافته، نسبت به پاسخ سؤال‌های یافته‌شده خویش متعهد هم هستند. کسانی که دارای هویت نامحقق یا در راه تحقق‌اند، افرادی هستند که با وجود اکتشاف و دستیابی به پاسخ سؤال‌های‌شان، هنوز تعهد لازم را در برابر یافته‌های‌شان از خود به‌معرض دید نگذارده‌اند. افرادی که از هویت

1. Shaffer  
2. Marcia

زود بسته‌شده‌ای برخوردارند، فاقد اکتشاف‌اند، اما به آنچه فراروی آنها رقم خورده است، متعهدند و سرانجام افرادی که از هویتی مغشوش برخوردارند، کسانی هستند که هم به اکتشاف و هم به تعهد نسبت به اعمال و رفتارهای‌شان، نرسیده‌اند. (سانتروک، ۲۰۰۸ ب) پس از ارائه مدل مارسیا در تبیین حالات مختلف هویتی، مدل اخیر توسط برخی از پژوهشگران به چالش گرفته شد، به این معنا که در مرتبه نخست برخی از پژوهش‌ها، نتایج مورد انتظار مدل مارسیا را نشان نمی‌داد. به‌عنوان نمونه، برخلاف انتظار نظری مدل مارسیا از وضعیت ضعیف تحصیلی افرادی که از هویتی مغشوش برخوردارند، چنین رابطه‌ای در پژوهش‌های انجام‌شده تأیید نمی‌شد (برزونسکی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵) و در مرتبه بعد، بعضی از نظریه‌پردازان مانند بلاسی<sup>۲</sup> و گلودیس<sup>۳</sup> مدل مارسیا را مدلی ایستا دانسته، معتقد بودند این مدل به فرایند تعامل فرد و جامعه و شکل‌گیری هویت‌یابی فرد، امعان نظر کافی نداشته است.

برزونسکی و آدامز<sup>۴</sup> در سال ۱۹۹۹ با ارائه یک مدل فرایندی از چگونگی شکل‌گیری هویت، کوشیدند تا نقص مدل ارائه‌شده توسط مارسیا را مرتفع سازند. (آدامز و دیگران، ۲۰۰۶)

برزونسکی در نگاه فرایندی که به هویت دارد، بیان می‌کند، افراد با استفاده از فرایندهای اجتماعی - شناختی مختلفی که برای حل مسائل شخصی و تصمیم‌گیری‌های خودشان به کار می‌برند، رفته رفته به هویت خود شکل می‌دهند. (پیتمن<sup>۵</sup> و دیگران، ۲۰۰۹) او سه جهت‌گیری شناختی مشخص را که سبک‌های هویت نام دارند، شرح می‌دهد. سبک‌های اخیر که تعیین‌کننده‌های مهم هویت افراد می‌باشند، شامل سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم اجتنابی است.

سبک هویت اطلاعاتی توسط نوجوانانی به کار می‌رود که قبل از تصمیم‌گیری و ایجاد برخی تعهدات برای خودشان، مجموعه‌ای از اطلاعات را در مورد خودشان جست‌وجو کرده و مورد ارزیابی قرار می‌دهند و از این طریق به ایجاد هویت مطلوب خویش می‌پردازند. سبک هویت هنجاری ویژگی بارز نوجوانانی است که هنگام مواجهه با مسائل مربوط به هویت، به توصیه‌ها و انتظارات دیگران مهم، نظیر والدین و افراد بانفوذ، تکیه می‌کنند و

1. Berzonsky
2. Blasi
3. Glodis
4. Adams
5. Pittman

سبک هویت سردرگم - اجتنابی، بیانگر افرادی است که اساساً سعی می‌کنند از تعارضات فردی و مسائل مربوط به هویت، اجتناب کنند. این افراد تا زمانی که موقعیت، اتخاذ اقدام‌هایی را ایجاب نکند، تصمیم‌گیری خودشان را به تأخیر می‌اندازند و به‌طور مستمر رفتارها و دیدگاه‌های خودشان را با توجه به مقتضیات اجتماعی زمان حال تنظیم می‌کنند. برزونسکی و همکاران (۱۹۹۰) در بررسی که بین سبک‌های هویتی پیشنهادی مارتا مارسیا و سبک‌های هویتی پیشنهادی برزونسکی انجام داده‌اند، گزارش می‌دهند که سبک هویتی اطلاعاتی برزونسکی با سبک هویتی محقق و در راه تحقق مارتا مارسیا، سبک هویتی هنجاری برزونسکی با سبک هویتی زود بسته شده مارتا مارسیا و سبک هویتی مغشوش اجتنابی برزونسکی با سبک هویتی مغشوش مارتا مارسیا، همبستگی قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهند. در بررسی انواع رویکردها در نظریه‌پردازی هویت، می‌توان از رویکردهای تاریخی، ساختاری، فرهنگی - اجتماعی، پردازش شناختی - اجتماعی و الگوی روانی - اجتماعی هویت یاد کرد.

رویکرد تاریخی نسبت به هویت، بر شرایط تاریخی در حال تغییر، تأکید می‌کند. اریکسون خاطر نشان می‌سازد که مفهوم هویت از نسبت تاریخی برخوردار است، زیرا مسئله هویت در تاریخ آمریکا دقیقاً از زمانی به یک موضوع قابل توجه تبدیل شد که نسل جدیدی از مهاجران تعارض جدیدی را در جهت تعریف خود در سرزمینی که از سرزمین نیاکان‌شان بسیار دور بود تجربه کردند. بنابراین در تاریخ بسیاری از جوامع غربی مسئله هویت به‌عنوان یک دغدغه خاطر هنگامی بروز کرد که ارزش‌ها و اشکال آشنای تعریف خود مورد سؤال قرار گرفتند. (سانتروک، ۲۰۰۸ الف)

رویکرد ساختاری هویت عمدتاً بر ساختارهای درونی در حال رشد خود که فرد از طریق آن تجربیات زندگی خود را تفسیر کرده و به آن معنی می‌دهد، استوار است. به‌زعم لووینگر افراد ممکن است در اوایل نوجوانی خویش تحت تأثیر عقاید دیگران باشند، اما تغییر در هویت نوجوان تا اواخر دوره نوجوانی او را قادر می‌سازد، بدون آنکه تحت تأثیر نظرات دیگران قرار گیرد، نظرات و عقاید آنان را مورد بررسی و تأمل قرار دهد، یعنی فرد شخصاً تعیین‌کننده روابط خود با دیگران باشد نه آنکه تحت تأثیر دیگران قرار گیرد. (جواد، ۱۳۸۵)

رویکرد فرهنگی - اجتماعی هویت، بر نقشی که اجتماع در ایجاد هویت فردی ایفا می‌کند، تأکید می‌ورزد. طبق این رویکرد، فرایندهای درون روانی در فرایند تعریف از



خود، غیرضروری محسوب می‌شوند. مید اظهار می‌دارد، مردم خودشان را براساس پاسخی که از دیگران دریافت می‌دارند، تعریف می‌کنند. (جواد، ۱۳۸۵)

برزونسکی در سال ۱۹۸۹ با اشاره به مدل پردازش شناختی - اجتماعی، بیان داشت، مدل پردازش شناختی اجتماعی هویت، به مطالعه راهبردها و فرایندهایی می‌پردازد که افراد برای ساخت هویت خود به آن پرداخته یا از آن اجتناب می‌کنند.

الگوی روانی - اجتماعی هویت، بر تلفیق نقش اجتماع و پویایی درون روانی و زیستی فرد در هویت تأکید دارد. اریکسون از نظریه پردازانی است که تلاش کرده تا مطالبات اجتماعی و نیروهای درونی تحول فرد را در یک بحث کلی درباره هویت در نوجوانی و جوانی به هم مربوط سازد. (منصور و دادستان، ۱۳۶۹)

اریکسون در اظهارنظری که در مورد جوانان ایده‌آلیست دارد، خاطرنشان می‌سازد که اساساً آرمان‌گرایی و اندیشه‌های ایده‌آل‌گرایانه، هویتی ارزشمند را برای صاحبان‌شان رقم خواهد زد، زیرا افراد آرمان‌گرا با یافتن ارزش‌ها و تعهدی که نسبت به آنان احساس می‌کنند، امکان دستیابی به هویت مطلوب تحقق یافته را برای خود پدید می‌آورند. (شپارد، ۱۹۹۹)

از این‌رو با توجه به اهمیت الگوهای فرهنگی - اجتماعی - عقیدتی که ضمن ترسیم انسان مطلوب، به ارتقای هویتی می‌انجامند، عطف توجه به الگوهای اخیر ضرورت می‌یابد. البته نکته مهمی که در این قسمت لازم به یادآوری است، بی‌توجهی نظریه پردازان خود هویت به مقوله هویت تاریخی است. نگارنده نیک به یاد دارد که وقتی دانشجویان خود را برای یک هفته به بازدید از شهرهای اصفهان و شیراز برد، وقتی در بازگشت، از آنان خواست تا تجربیات خویش را از سفری که داشته‌اند، ارائه کنند، برخی از دانشجویان اظهار می‌داشتند، آنان پیش‌تر فکر می‌کردند، ملت مزخرفی بیشتر نیستند، اما با دیدن عظمتی که شاهد آن بودند، اکنون دیگر با امید به آینده می‌نگرند.

نگارنده از سویی با توجه به تجربیات پیشین خود با دانشجویان و از سوی دیگر با احساس ضعف نظریه‌پردازی‌های هویت که به مقوله هویت تاریخی بی‌توجه بوده‌اند، ضمن طرح مفهوم هویت تاریخی در عمل درصدد بررسی صحت و سقم مقوله اخیر برآمد و کوشید تا با استخراج نمونه‌ای از الگوهای جهادی، ضمن بررسی تجربی مفهوم اخیر، آثار هویت‌بخش آن را در سطح جوانان مورد بررسی قرار دهد.

بررسی چگونگی الگوسازی و طرح الگوهای برگرفته از جنگ ایران و عراق، دلالت بر آن دارد که به جز برنامه بازدید از جبهه‌ها که طی آن بازدید شهروندان و خاصه جوانان از جبهه‌های جنگ فراهم می‌آید، برنامه مدون و عمیق دیگری در جهت آشنایی و امتزاج ارزشی جوانان با الگوهای درخشان دوران جنگ اندیشده نشده است و طرح الگوهای انسانی جنگ، به‌صورتی ناهماهنگ، مطالعه نشده و نامستمر صورت گرفته و می‌گیرد. بررسی منطقی (۱۳۸۳ ی) در زمینه چگونگی طرح الگوهای جنگ، بیانگر وجود ویژگی‌های زیر در روند طرح الگوهای جنگ ۸ ساله می‌باشد:

- طرح محدود و ضعیف الگوها،
- نادیده گرفتن برخی از الگوها،
- نگاه یک‌بعدی در پردازش الگوها،
- نگاه یک‌بعدی در پردازش شخصیتی الگوها،
- نگاه تک جنسیتی و مردسالارانه در طرح الگوها،
- طرح الگوها بدون توجه به نیاز مخاطبان،
- پردازش اغراق‌آمیز الگوها،
- طرح الگوهای فردی و غفلت از طرح الگوهای سازمانی.

عنوان طرح محدود و ضعیف الگوها، به این مسئله اشاره دارد که اکثریت قریب به اتفاق الگوهای جنگ، به‌صورت محدود و غالباً با تبلیغات غیرهمپوش مطرح می‌گردند. به‌عنوان مثال، تهیه فیلمی از یک سردار جنگ، پخش یک بار مصاحبه با همسر وی در رسانه ملی و در نهایت نامیدن یک اتوبان یا خیابان به نام وی، نهایت اقدامی است که در حال حاضر در سطح جامعه در ارتباط با چگونگی طرح الگوهای بزرگ و درخشان جنگ ملاحظه می‌گردد. در حالی که الگوهای اخیر می‌توانند از رسانه‌های مختلف (رادیو، تلویزیون، نشریات، سایت‌های اینترنتی)، نشر کتاب‌ها و مجلات، برگزاری همایش در مورد آنان، طرح خانواده آنها، رونمایی از تندیس آنان، آوردن تصاویر آنها روی البسه و نظایر آن، مطرح گردند.

عنوان نادیده گرفته شدن برخی از الگوها ناظر بر این معنا است که از مجموعه عظیم الگوهای برجسته‌ای که در جریان دفاع از کیان کشور درخشیدند، تعداد اندکی از آنان مورد توجه قرار گرفته و به‌شکل محدودی مطرح گردیده‌اند. عدم توجه به افراد دیگر، گاهی سیاسی و گاهی از سر غفلت و بی‌برنامگی بوده است. به‌عنوان مثال، ممکن است

بخشی‌نگری سبب شود، سرداران جهاد سازندگی عرصه‌ای برای مطرح شدن در جامعه پیدا نکنند، در حالی که شناخت سردارانی مانند طرحچی، رضوی، ساجدی و نظایر آنان، به میزان قابل توجهی در جوانان تأثیرگذار است.

نگاه یک‌بعدی در پردازش الگوها، به این نکته اشاره دارد که اگرچه افراد و سازمان‌های مختلفی در جنگ ذی‌سهم بودند، اما از بین مجموعه افراد و سازمان‌های مزبور، تنها یک یا دو سازمان و افراد آنان و آن هم افرادی که عمدتاً صبغه نظامی داشته‌اند، به‌عنوان سرمشق‌ها و نمادهای جنگ مطرح می‌گردند، در حالی که در دوران جنگ اولاً هم زنان و هم مردان در جنگ ذی‌نقش بودند و ثانیاً افراد مؤثر در جنگ از پزشک و مهندس و دیگر متخصصان گرفته تا افراد نظامی و از همسران و مادران رزمندگان گرفته تا اقشار عادی جامعه که گاهی به‌اندازه سه تخم مرغ به جبهه یاری می‌رساندند، گسترده بودند و خلاصه کردن آنها تنها در فرماندهان نظامی جنگ یا یک ارگان، درست نیست.

عنوان نگاه یک‌بعدی در پردازش شخصیتی الگوها به این مسئله اشاره دارد که اگر چه الگوهای مطرح‌شده برای جامعه و جوانان، حاوی ابعاد مختلف نظامی، فرماندهی، روابط اجتماعی، روابط عاطفی و خانوادگی و نظایر آن بودند، در جریان طرح الگوها تنها به بعد دینی و نظامی آنان توجه شده است و از سایر ابعاد زیبایی وجودی آنان مانند رابطه آنها با همسرشان و یا نگاه زیست محیطی آنان، به‌شدت غفلت شده است.

عنوان نگاه تک‌جنسیتی به الگوها، حکایت از سایه‌انداختن مردسالاری در پردازش الگوها برای جامعه دارد. به این معنا که با نادیده گرفتن الگوهای ارزشمند زنان در دوران جنگ، تنها الگوهایی که در عرصه جنگ برای جامعه مطرح می‌شوند، فرماندهان نظامی جنگ‌اند. حال آنکه با بررسی دوران جنگ مشخص می‌شود که زنان همپای مردان در تحقق اهداف جنگ می‌کوشیدند و در صحنه‌های مختلف جنگ حضور داشتند.

ملاحظه حماسه‌سازی دختران و زنان ایرانی در آغاز جنگ (گیویان، ۱۳۷۶، مافی، ۱۳۷۶ و کارزونیان، ۱۳۸۹) و تلاش‌های وافر آنان در امداد و کمک‌رسانی پشت جبهه‌ها (حیدری دلگرم، ۱۳۸۸ و تواضعی، ۱۳۸۸) از سویی و ملاحظه حماسه‌سازی مادران رزمندگان در جنگ (نصراللهی، ۱۳۷۶ و آشیان، ۱۳۸۲) و زنانی که تکیه‌گاه اصلی شوهران‌شان در تحمل فشارهای کمرشکن داخلی و خارجی جنگ بودند (خضری، ۱۳۸۹ الف و مرج، ۱۳۸۹)، گواه روشنی بر نقش برجسته زنان در جنگ می‌باشد که متأسفانه در پردازش الگوهای جنگ، این مسئله برای زنان که نیمی از اقشار جامعه را تشکیل

می‌دهند، نادیده گرفته شده است.

عنوان طرح الگوها بدون عطف توجه به نیازهای مخاطبان، به این نکته کلیدی اشاره دارد که در جریان طرح پیام، باید ویژگی‌های پیام گیرنده نیز مدنظر قرار گیرد و پیامی که برای اثرگذاری در پیام گیرنده تهیه می‌شود، باید به گونه‌ای طراحی و تدوین شود که حاوی بیشترین تأثیر ممکن بر روی مخاطب فرا روی خود باشد.

طرح الگوهایی که بعد مهم آنها نظامی‌گری آنان است، نیاز اساسی یک جوان را پاسخ نمی‌دهد. نیاز اساسی یک جوان را مسائلی مانند مسائل عاطفی و بین فردی، روابط اجتماعی، اخلاق فردی و اجتماعی، مسائل زیست محیطی و نظایر آنها، شکل می‌دهد. پردازش اغراق‌آمیز الگوها، نقد جدی دیگری است که به نظام پردازش الگوهای جنگ ۸ ساله وارد است. برخی از جوانان تأکید می‌کنند که مسئولان و اولیای تربیتی جوانان، در جریان الگوسازی‌های‌شان، تنها دست به معرفی کسانی می‌زند که به قتل رفیع مکتبی دست یافته‌اند و در جریان این کار نیز الگوهای موجود به شکل آسمانی پردازش شده، ویژگی‌های زمینی خود را از دست می‌دهند.

نگارنده، خود در مصاحبه تلویزیونی همسر شهید همت، شاهد آن بود که وی از سیگاری بودن حاج ابراهیم همت یاد کرده، در ضمن بیان می‌داشت، شهید همت به خاطر وی سیگار کشیدن را کنار گذاشته بود. اما وقتی نگارنده به مطالعه کتابی که انتشارات و تبلیغات سپاه پاسداران، از همین مصاحبه تهیه کرده بود، پرداخت، ملاحظه کرد که مسئله اخیر در این کتاب، حذف شده است.

آنچه در پردازش الگوها باید بدان توجه داشت، عدم طرح ایده‌آل و دست‌نیافتنی الگوها است. به این معنا که وقتی الگوی ارائه‌شده به جوانان، الگویی تام و تمام و بری از هر نوع ضعف و کاستی باشد، در این حالت به سبب فاصله زیادی که جوان بین خود و الگوی مطرح‌شده احساس می‌کند، با استدلال در اینکه او نمی‌تواند نظیر آن الگوی آرمانی رفتار کند، به سادگی از وی می‌گذرد. حال آنکه اگر الگوهای مورد نظر، بدون اغراق مطرح شوند، در این حالت به سبب نزدیک بودن الگوی مطرح‌شده با مخاطب، امکان یادگیری مخاطب از الگوی مطرح‌شده، فراهم می‌آید.

طرح الگوهای فردی و غفلت از الگوهای سازمانی، اشکال دیگری است که در نظام پردازش الگوهای برگرفته از جنگ برای جامعه و اقشار جوان آن ملاحظه می‌گردد. به این معنا که در طول دوران جنگ، سازمان‌های مختلفی درگیر جنگ بودند که طرح

عملکرد سازمانی آنان، در درجه نخست اهمیت برای هویت‌بخشی به جامعه و در درجه بعدی اهمیت برای تشویق فرهنگ کار جمعی در جامعه و ارائه الگوهای موفق سازمانی برای جامعه، ضروری می‌نماید.

سازمان‌هایی مانند جهاد سازندگی، نیروی هوایی ارتش، هوانیروز، شرکت ملی نفت کش ایران، ستاد جنگ‌های نامنظم و نظایر آن، در کنار سپاه و بسیج، خلاقیت‌های بی‌شماری را از خود به معرض دید نهادند که این مسئله نه تنها باید در جهت ارتقای هویتی شهروندان مورد توجه قرار گیرد، بلکه باید برای سرمشق‌گیری کلان نظام از دستاوردهای جنگ مورد توجه واقع شوند. دکتر محسن خلیجی، در مصاحبه‌ای که نگارنده با وی داشت، در توصیف اهمیت کار سازمانی جهاد سازندگی بیان می‌داشت:

«اهمیت جهاد در نزد حضرت امام چنان بالا بود که ایشان جهادگران را به‌عنوان الگوی جوان ایرانی، معرفی می‌کند و از جوانان می‌خواهد تا با تأسی از جهادگران، الگوی تراز نوینی از جوان انقلابی را در وجود خویش محقق سازند.

بررسی نگاه دیگر استوانه‌های فکری انقلاب هم تداعی‌گر همین موضع حضرت امام است. به‌عنوان نمونه، بررسی مواضع شهید بهشتی دلالت بر آن دارد که ایشان در ارتباط با جهاد، روی کادرسازی در نهاد خیلی تأکید می‌کرد، مثلاً آقای دکتر نامداری به من می‌گفت، وی وقتی نزد شهید بهشتی می‌رفت تا از ایشان بودجه‌ای برای کارهای عمرانی و روستایی جهاد بگیرد، شهید بهشتی وقتی ۷-۶ میلیون تومان به وی می‌داد، تأکید می‌کرد که شما نصف این پول را خرج عمران روستایی کنید، اما نصف دیگر پول را صرف کادرسازی کنید. کادرسازی یعنی گسترش آرایش انسانی خاصی که به برکت جهاد، در جامعه ما بروز و ظهور پیدا کرده بود. کادرسازی یعنی ایجاد آرایش انسانی جدیدی که تا قبل از انقلاب، استبداد جلوی تحقق آن را گرفته بود. دقت در روابط این افراد بیانگر خیلی از مسائل است. من خودم اسناد زیادی را در ارتباط با روابط جهادگران با هم و با شورای مرکزی‌شان گردآوری کرده‌ام. هنگامی که برخی از جهادگران قدیمی را می‌بینم، به آنها می‌گویم خاطراتی از گذشته جهاد و جهادگران را برای من تعریف کنند. در این اقدام، در جست‌وجوی کشف روابط جهادگران با هم و روابط سازمانی جهادسازندگی هستیم. به همین ترتیب در همایش‌های جهادگران حضور پیدا می‌کنم تا روابط این افراد را مورد مشاهده قرار بدهم. این‌دست از موارد به‌وضوح روابط مملو از ارزش‌های انسانی

جهادگران را در معرض دید می‌گذارند و دلالت بر این دارند که فضای غالب روابط در سازمان جهاد، روابط افقی بوده است، در حالی که فضای غالب روابط در سایر سازمان‌های داخلی و حتی خارجی، روابط عمودی است.

آرایش انسانی که در جهاد وجود داشت و چنین آرایشی در سیستم مدیریتی ایران با جهاد، مطرح شد، بزرگ‌ترین تحولی بود که جهاد با خودش به ارمغان آورد و پیشرفت‌های بعدی جهاد در خودکفایی بسیاری از اقلام کشاورزی، دامپروری، سرم‌سازی، موارد عمرانی و موارد پیچیده‌ای مانند ساخت موشک، نتیجه همین آرایش انسانی جدید بود.

اگر رشد فزاینده جهاد در تولیدات کشاورزی و کارهای عمرانی بخواهد معرف جهاد واقع شود، ما قدری به انحراف رفته‌ایم. در حال حاضر کشورهای منطقه، مانند عربستان و ترکیه و یا کشورهای جهان سومی دیگری مانند مالزی، پیشرفت‌های فوق‌العاده‌ای در زمینه کشاورزی‌شان داشته‌اند که شاید بعد از چند دهه، از پیشرفت‌های جهاد بیشتر باشد. اما روابط انسانی و مدیریتی متفاوت جهاد، چیزی بود که باید به آن بیشتر توجه کرد و تداوم این مسئله می‌توانست برای جامعه انقلابی ایران به شدت تحول‌آفرین باشد و کل کشور را نجات بدهد.

مرور عملکرد جهاد بیانگر آن است که جهادگران جوان، با سازماندهی خوبی که پدید آورده بودند، به سراغ دانشگاهیان و متخصصان می‌رفتند و افراد نخبه‌ای را که مشتاق به خدمت به کشورشان بودند، به کار می‌گرفتند و با ایجاد هم‌افزایی لازم، بسیاری از مشکلات فنی خود و کشورشان را از این طریق حل می‌کردند. پشت ساخت موشک جهاد، انبوهی انرژی متراکم استادان دانشگاه نهفته است، باید این مسئله مورد توجه قرار بگیرد که چه سازماندهی در جهاد وجود داشت که بچه‌های جهاد نیروهای پراکنده متخصص جامعه را به شکل منسجمی به کار می‌گرفتند و خروجی‌های ارزشمندی از آن به دست می‌آوردند. چه سازمانی بود که حتی استاد اخراجی دانشگاه را می‌یافت و به او در جهت عمران و آبادانی کشور خط می‌داد و از وی استفاده می‌کرد.

بنابراین در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان نتیجه گرفت، در تحولات هویتی جوانان که در اثر عوامل مختلفی مانند کاهش میزان تأثیر نهادهای جامعه‌پذیرکننده داخلی، افزایش تأثیر نهادهای جامعه‌پذیرکننده آن سوی آب، برخی از بی‌برنامگی‌ها و نظایر آنها

رخ داده و می‌دهد، این امکان وجود دارد که با استخراج الگوهای مختلفی که در دوران‌های گذشته یا تاریخ معاصر ایران وجود دارند و طرح آن برای جوانان، در شکل‌گیری هویتی آنان در جهات ارزشی و مطلوب طبع اولیای فرهنگی نظام، مؤثر باشیم.

از این‌رو پژوهش حاضر با هدف استخراج الگوهای مسکوت مانده از دوران جنگ و ارائه این الگوها به جوانان، در صدد بررسی آثار الگوهای اخیر در جریان هویت‌یابی جوانان برآمد.

### ۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر حاوی دو قسمت مرتبط به هم است. قسمت نخست به احصای خلاقیت‌های جهادگران جهاد سازندگی در دوران جنگ پرداخته است و قسمت دوم به بررسی آثار ارائه دستاوردهای مزبور به دانشجویان می‌پردازد.

روش پژوهش در قسمت نخست بررسی توصیفی است که در جریان مصاحبه با بیش از ۸۰ نفر از سرداران جهاد سازندگی صورت پذیرفت و با رسیدن یافته‌ها به حد اشباع، مصاحبه‌های مزبور در زمینه احصای خلاقیت‌های جهادگران جهاد سازندگی متوقف گردید.

روش پژوهش در قسمت دوم پژوهش، بررسی یک گروه با خودش است. (سرمد و دیگران، ۱۳۷۶ و دلاور، ۱۳۷۳) به این ترتیب که پس از اخذ نظرات ۱۱۰ دانشجوی کارشناسی و کارشناسی‌ارشد درباره جهاد سازندگی، نمونه‌هایی از خلاقیت‌های جهادگران در قالب قریب به ۲۰۰ تصویر به دانشجویان نشان داده شد و مجدداً نظر دانشجویان در مورد تأثیر آگاهی از خلاقیت‌های مسکوت مانده جهادگران در دوران جنگ، از آنان مورد پرسش قرار گرفت.

به این ترتیب که از آنها خواسته شد تا به شکل کیفی مشخص کنند، اطلاع از آنچه مشاهده کرده‌اند، چه آثار عاطفی و شناختی بر روی آنان داشته است. البته ارزیابی‌های اخیر بدون درج اسامی دانشجویان از آنان دریافت شد تا شائبه ارائه پاسخ‌های منطبق با نظر پژوهشگر در این میان وجود نداشته باشد.

یافته‌های اخیر به دو صورت کیفی و کمی مورد بررسی قرار گرفتند. در بررسی کیفی یافته‌ها، اظهار نظر دانشجویان قبل و بعد از آشنایی با خلاقیت‌های جهادگران جهادسازندگی مورد تحلیل مضمون (تحلیل تماتیک) قرار گرفت.

تحلیل مضمون روشی برای تحلیل و دستیابی به الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. در جریان تحلیل مضمون، نخست کدگذاری باز مورد توجه بود و در ادامه با توجه

به نتایج به دست آمده از کدگذاری باز، کدگذاری متمرکز انجام شد. به این معنا که تمامی کدهای اولیه که بیانگر مفهومی مشترک و نزدیک به هم بودند، زیر عنوان کدی متمرکز، سازمان یافتند تا از این طریق بتوان به توصیف مهم‌ترین مقوله‌های حاصل از یافته‌های به دست آمده پرداخت.

در ادامه، پس از تبدیل یافته‌های کیفی به یافته‌های کمی، آزمون مربع کای در آنها محاسبه شد. میزان خطای مورد نظر در این آزمون ۵٪ بود.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمعی از جوانان آزاده و نیک‌اندیش که درصدد گسترش پیام انقلاب به سرتاسر ایران بودند، تصمیم گرفتند تا با ایجاد نهاد جهاد سازندگی، پیام انقلاب را تا اقاصا نقاط کشور و دور دست‌ترین روستاها و محروم‌ترین مناطق ببرند، از این رو در رجوع به امام خمینی و طرح ایده انقلابی‌شان، با موافقت ایشان، در ۲۷ خرداد ماه سال ۱۳۵۸ جهاد سازندگی با حکم رسمی امام به‌عنوان نهادی برآمده از انقلاب پا به عرصه هستی نهاد.

جهادگران با رفتن به روستاهای دورافتاده و محروم کشور درصدد تغییر چهره روستاهای فقیر و محنت‌زده برآمدند و در حالی که در آغاز شاید از ساده‌ترین ابزارهای لازم برای کمک در امور کشاورزی و عمران و آبادی روستا نیز محروم بودند، با تهیه ابزارآلات لازم از خود روستاییان، بدون هیچ چشم‌داشتی تلاش برای تحول‌آفرینی در روستا را در دستور کار خود قرار دادند. جهاد سازندگی تا آغاز جنگ در روستاها نفوذ کرده بود و از تجهیزات اولیه لازم مانند لودر، بولدوزر و مانند آنها برخوردار شده بود.

با شروع جنگ در پایان شهریور ۱۳۵۹، جهادگرانی که اصل نظام را مورد تهدید می‌دیدند، وارد صحنه شده، در عمل اقدام‌های رزمی - مهندسی جنگ را برعهده گرفتند، زیرا رزمی - مهندسی ارتش، به دلیل خیانت برخی از مسئولان ارتش، دچار آشفتگی شده بود و سپاه نیز به‌عنوان نهادی نوپا، فاقد واحد رزمی - مهندسی بود.

مرکز تحقیقات جهادسازندگی با هدف تعمیق مهندسی - رزمی جنگ و خدمت‌رسانی هرچه بیشتر به جبهه‌های جنگ در دوره دوم فعالیت‌های جهاد سازندگی در جنگ تأسیس می‌شود و منشأ خدمات بسیاری گردید.<sup>۱</sup>

۱. گفتنی است که نهاد انقلابی جهاد سازندگی پس از جنگ مورد کم‌توجهی و بی‌توجهی برخی از



نگارنده جهت بررسی خلاقیت‌های جهادگران جهاد سازندگی نخست به آرشیوهای مرکز تحقیقات جهاد مراجعه کرد که با پاسخ منفی آنان درباره احصاء دقیق خلاقیت‌های جهادگران در طول دوران جنگ مواجه گردید. مسئولان مرکز مزبور بیان داشتند، در جریان یکی از سیل‌های صورت پذیرفته در سال‌های گذشته، مرکز اسناد جهاد دچار آب گرفتگی شده و برخی از اسناد آن از بین رفته است. بنابراین نگارنده درصدد برآمد با یافتن مسئولان و دست‌اندرکاران عمده مرکز تحقیقات جهاد سازندگی در دوران جنگ، در جریان مصاحبه با آنان به احصاء خلاقیت‌های جهادگران نائل آید.

مصاحبه‌های انجام‌شده با قریب ۸۰ نفر از سرداران جهاد سازندگی<sup>۱</sup>، دورنمایی روشن

مسئولان واقع شد و مسئولان مزبور بدون عنایت به عملکرد درخشان رزمی - مهندسی جهاد سازندگی که می‌توانست در سطح کشور تحول‌آفرین باشد و مهم‌تر از آن، روابط سازمانی افقی که در جهاد سازندگی وجود داشت، می‌توانست الگوی سازمانی جدیدی را برای سازمان‌ها و نهادهای کشور به ارمان بیاورد، جهاد سازندگی را در وزارت کشاورزی ادغام کردند و در عمل پرونده پویای آن بسته شد.

۱. اسامی جهادگران مصاحبه‌شده و تاریخ مصاحبه آنان به‌قرار زیر است:

ولی عسگری (فروردین ۱۳۹۰)، مهندس شریفیان (اردیبهشت ۱۳۹۰)، آقای روحانی (اردیبهشت ۱۳۹۰)، آقای پيله وریان (اردیبهشت ۱۳۹۰)، دکتر مظفر نامدار (خرداد ۱۳۹۰)، مهندس سعید مرجوی (خرداد ۱۳۹۰)، مهندس سیدغلامحسین افشارزاده (تیر ۱۳۹۰)، مهندس مصوری (تیر ۱۳۹۰)، مهندس فضل‌الله و کیلی فرد (تیر ۱۳۹۰)، مهندس افشین مسعود (مرداد ۱۳۹۰)، مهندس ملکان (مرداد ۱۳۹۰)، مهندس فرامرزی امینی (مرداد ۱۳۹۰)، مهندس علی‌اکبر بهرامی (مرداد ۱۳۹۰)، آقای خرامین (مرداد ۱۳۹۰)، دکتر بهمنی (شهریور ۱۳۹۰)، کیومرث محمدی‌نیا (شهریور ۱۳۹۰)، دکتر داوود دانش‌جعفری (شهریور ۱۳۹۰)، آقای گرمجانی (شهریور ۱۳۹۰)، آقای فرهنگ (شهریور ۱۳۹۰)، مهندس خسرو ارتقاعی (شهریور ۱۳۹۰)، احمد رشیدنهال (شهریور ۱۳۹۰)، آقای کیانی (شهریور ۱۳۹۰)، نجف زمانی (شهریور ۱۳۹۰)، محمدرضا دشت‌باز (شهریور ۱۳۹۰)، آقای باغبانی (شهریور ۱۳۹۰)، فریدون تقفیان (شهریور ۱۳۹۰)، آقای صالحی (شهریور ۱۳۹۰)، آقای خوبیار محمدی (شهریور ۱۳۹۰)، محمدعلی حیدری دلگرم (شهریور ۱۳۹۰)، عبدالله حیدری (شهریور ۱۳۹۰)، سیدمحمد لاله‌زار (شهریور ۱۳۹۰)، لهراسب حاجی‌پور (شهریور ۱۳۹۰)، آقای بلبل (شهریور ۱۳۹۰)، مهندس کامران صدیقی (مهر ۱۳۹۰)، مهندس غلامعلی یاجم (مهر ۱۳۹۰)، آقای کارنما (مهر ۱۳۹۰)، مهندس شرفی، (مهر ۱۳۹۰)، آقای عرب‌نژاد (مهر ۱۳۹۰)، آقای میرزایی (مهر ۱۳۹۰)، مهندس مهدی گلی (آبان ۱۳۹۰)، مهندس هادی وحیدی‌مقدم (آبان ۱۳۹۰)، مهندس محمد موحدخواه (آبان ۱۳۹۰)، آقای نواب (آبان ۱۳۹۰)، سیدعلی روح‌الامین (آذر ۱۳۹۰)، مهندس محمدتقی امان‌پور (آذر ماه ۱۳۹۰)، دکتر محمد حسین‌نژاد (دی ۱۳۹۰)، یدالله شمایی (دی ۱۳۹۰)، آقای فرهنگ (بهمن ۱۳۹۰)، سیدجواد میرشفیعان (اسفند ۱۳۹۰)، عبدالرحمان جزایری (اسفند ۱۳۹۰)، مهندس سیدمهدی تقوی (اسفند ۱۳۹۰)، ناصر ابراهیمی (اسفند ۱۳۹۰)، مهندس حسینعلی عظیمی (فروردین ۱۳۹۱)، آقای درویش‌زاده (فروردین ۱۳۹۱)، مهندس پرویز شاطری (اردیبهشت ۱۳۹۱)، آقای درویش‌زاده (اردیبهشت ۱۳۹۱)، محمود حجتی (خرداد ۱۳۹۱)، مهندس دلشاد (خرداد ۱۳۹۱)، غلامرضا خدادادیگی (خرداد ۱۳۹۱)، مهندس رحمانی (خرداد ۱۳۹۱)، مهندس خداداد (خرداد ۱۳۹۱)، مهندس بیژن نامدار زنگنه (خرداد ۱۳۹۱)، مهدی ورشابی (تیر ۱۳۹۱)، آقای قلعه قووند (تیر ۱۳۹۱)، مهندس مفیدی (خرداد ۱۳۹۱)، آقای نیل فروش‌زاده

از خلاقیت‌های این نهاد انقلابی را به دست داد. نمونه‌هایی از خلاقیت‌های صورت پذیرفته جهادگران جهاد سازندگی به شرح زیر است: احداث انواع پل‌ها، احداث جاده ۱۴ کیلومتری سیدالشهدا در هورالعظیم، ایجاد سد خاکی الزاهر<sup>(س)</sup> بر روی رودخانه بهمن شیر، سنگرسازی و ساخت سنگرهای پیش ساخته، ساخت بیمارستان در مناطق عملیاتی در زیرزمین، راه اندازی گردان جنگ آب، خنثی سازی جنگ آب عراق، ساخت خودروهای دوزیست (آبی - خاکی)، ساخت قایق مرداب‌رو، فرش باتلاقی، باتلاق روی جبل، تهیه ضد هوایی متحرک، ساخت شن‌رو، نفربر نیم‌شنی، مینی تانک، بالن ابابیل، خنثی سازنده بمب‌های شیمیایی، ساخت رفلکتور (منحرف کننده موشک)، پدافند مرکز هاگ، ساخت نسل اول زیر دریایی ایران، ساخت موشک، ساخت بندرهای استراتژیک و بسیاری از موارد ابداعی و مشابه. پاسخ‌های حاصل از اظهار نظر اولیه دانشجویان در مورد شناخت آنان از جهاد سازندگی، در سه طبقه کلی پاسخ‌های درست، پاسخ‌های اشتباه و اظهار عدم شناخت سازمان جهاد سازندگی قرار می‌گرفتند. نمونه‌هایی از پاسخ‌های درست دانشجویان در این زمینه به قرار زیر بود:

«جهادگران گروهی بودند که در ابتدای انقلاب به روستاها رفتند تا آنجا را آباد کنند». «همان گونه که از اسم جهاد سازندگی برمی‌آید، آنها در صدد سازندگی محیطشان برآمدند».

«تا جایی که من به یاد دارم، در یکی از کتاب‌های درسی دبستان ما، آرم جهاد سازندگی روی ماشین آلات آنان وجود داشت».

نمونه‌هایی از پاسخ‌های اشتباه دانشجویان در زمینه شناخت جهاد سازندگی به قرار زیر بود:

«جهاد سازندگی در حال حاضر در روستاها اقدام به ساخت و ساز مراکز مورد نیاز روستائیان دارد» (در این پاسخ جهاد سازندگی با بسیج سازندگی اشتباه گرفته شده است)

---

(خرداد ۱۳۹۱)، دکتر محسن خلیجی (خرداد ۱۳۹۱)، علی اکبر بخشی (خرداد ۱۳۹۱)، فیض الله شکری واحد (فیضی) (خرداد ۱۳۹۱)، محمدتقی صباغ (خرداد ۱۳۹۱)، دکتر مهدی شفیعی فر (تیر ۱۳۹۱)، اسماعیل رسولیان (شهریور ۱۳۹۱)، هاشم کیانی (شهریور ۱۳۹۱)، مهندس غلامرضا علی آبادیان (شهریور ۱۳۹۱)، مهندس سعید شاکر (مهر ۱۳۹۱)، علی اکبر حافظی (مهر ۱۳۹۱)، قاسم ظریف‌کار (مهر ۱۳۹۱)، اکبر غلامی (مهر ۱۳۹۱)، آقاسی دین محمدی (مهر ۱۳۹۱)، حاج آقا ابراهیمی و آقای سراجان (مهر ۱۳۹۱)، آقای رستمی (دی ۱۳۹۱)، مهندس غلامرضا علی آبادیان (شهریور و دی ۱۳۹۱).

«جهاد سازندگی در دانشگاه‌ها شکل گرفته است و این افراد می‌کوشند تا ارتباط مثبت و مؤثری بین دانشگاه و جامعه برقرار کنند» (در این پاسخ جهاد سازندگی با جهاد دانشگاهی اشتباه گرفته شده است).

پس از اخذ اظهار نظر دانشجویان درباره جهادگران جهاد سازندگی، اجمالی از اطلاعات تصویری ارائه شده به دانشجویان درباره خلاقیت‌های جهاد سازندگی در دوران جنگ، به‌قرار زیر بود:

جهادگران پیش از شروع جنگ، با هدف توسعه روستایی، وارد مناطق محروم جامعه شدند و با وجود آنکه گاهی جان آنها در برخی از مناطق (مانند کردستان) در معرض خطر بود، عمران و آبادانی را برای این مناطق به ارمغان بردند. تصویر زیر ساخت یکی از جاده‌های روستایی است که در شیخی نزدیک به ۸۰ درجه احداث شده است:



با شروع جنگ و حضور جهادگران در مناطق عملیاتی، جهادگران وظیفه رزمی - مهندسی جنگ را برعهده گرفتند و کوشیدند تا نیازهای رزمی - مهندسی جنگ نظیر احداث جاده، پل، سنگر سازی، ساخت ابزارها و وسایل مورد نیاز جنگ را مرتفع سازند. تصاویر زیر روند تحول و تطور پل سازی جهادگران را به‌نمایش می‌گذارد. این پل‌ها در آغاز پل‌های داربستی بودند، اما بعد به پل‌های بشکه‌ای و در ادامه به پل‌های دوبه‌ای و لوله‌ای ارتقا یافتند تا جایی که در سال ۱۳۶۴ به ساخت پل عظیم بعثت به طول ۹۰۰ متر و عرض ۱۲ متر با ۵۰۰۰ لوله بر روی رود وحشی اروند منتهی شد. از شاخه‌های این رود، عمق ۱۲ تا ۱۵/۵ متر (در حالت جزر و مد کامل)، سرعت آب ۷۰ کیلومتری و جذر و مد ۳/۵ متری بود.



۱۴۲

همچنین می‌توان به یکی دیگر از دستاوردهای بزرگ جهاد سازندگی یعنی ساختن پل خیبر اشاره نمود. پل خیبر، روی آب شناور بود و پایه نداشت. این پل ۱۴ کیلومتری، از دنبال هم قرار گرفتن حدود ۲۵۰۰ قطعه شناور تشکیل شده بود که هر کدام ۶ متر طول و بیش از ۳ متر عرض داشته و به وسیله گوسواره و پیم به هم متصل شده بودند. هر قطعه پل، برای قابلیت شناوری بالاتر و امکان تحمل وزن بیشتر، چهار باله شناور هم (به عنوان کمکی) در دو طرف خود داشت. شاسی هر قطعه از پل، شامل ۴ تیر آهن ۱۴ لانه‌زن‌بوری بود که روی آنها یک ورق ۴ میلی‌متری آج‌دار قرار گرفته بود و چهار باله اطراف پل هم با لولا و پیم به این شاسی وصل بود. در زیر شاسی‌ها، بلوک‌های «پلی‌استایرن» با تسمه به آنها محکم شده بودند. کار شناور کردن پل بر روی آب را همین بلوک‌های پلی‌استایرن انجام می‌دادند. توان شناوری هر قطعه از پل، ۶ تن بود. تصاویر زیر مربوط به پل خیبر است.



نسل اول پل خضری نیز با لودرهایی که از دو ساحل با سیم بکسل به پل وصل بوده، جابه‌جا می‌شد. اما در نسل بعدی پل خضری، با گذاشتن یک تراکتور (بدون چرخ) روی پل، پل خضری مشغول فعالیت شد.



۱۴۳

تصاویر زیر بیانگر ساخت سنگرهای پنج‌ضلعی است که در روند تحول خود به سنگرهای منحنی (و بدون دور ریز آهن) و سنگرهای بتنی و سنگرهای پیش‌ساخته (برای استقرار در خطوط مقدم عملیاتی) که از پشت توپوتا روی زمین انداخته می‌شد و سنگرهای مخصوص هور، ارتقا یافت.



ساخت بیمارستان‌هایی در زیر زمین، از دیگر اقدامات جهادگران بود.





راه‌اندازی گردان جنگ آب، تهیه خودروی دوزیست، مرداب‌رو، فرش باتلاقی و باتلاق روی جبل که امکان راه‌سازی در هورالعظیم را میسر می‌ساخت، از دیگر اقدامات جهادگران در دوره جنگ بود.



۱۴۴

شن‌رو و نغبر شن‌رو برای کاربری در مناطق رملی و مینی‌تانک نیز از ادواتی بوده که به‌دست جهادگران ساخته شد. در حالی که نیروی واکنش سریع آمریکا، متشکل از نفر بود، مینی‌تانک‌های ساخته‌شده جهادگران این امکان را به کشور می‌داد که نیروی واکنش سریع ایران، مینی‌تانک‌هایی باشد که با هلی‌کوپتر امکان جابجایی به مناطق مورد نیاز را داشتند.



ساخت بالن ابابیل برای سد کردن تهاجم هوایی عراق از لابه‌لای کوه‌های اصفهان به پالایشگاه این شهر و تعیین مسیر پرواز برای هواپیماهای ایرانی که برای گریز از رادارهای

عراق، نزدیک به سطح زمین حرکت می‌کردند و ساخت خنثی‌سازنده بمب‌های شیمیایی، از دیگر مواردی بودند که جهادگران به تهیه آن اقدام کردند.



ساخت رفلکتور یا منحرف‌کننده موشک نیز از فرازهای قابل تأمل مرکز تحقیقات جهاد سازندگی بود.

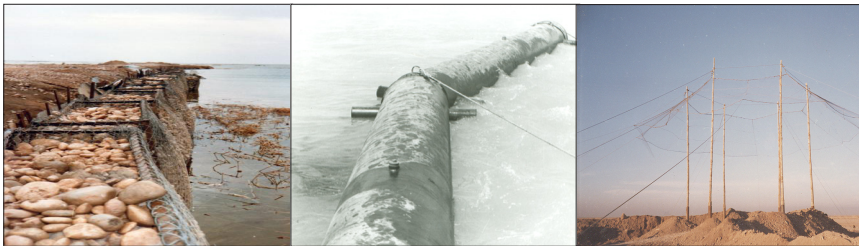
۱۴۵

عراق در تلاش برای از کار انداختن صادرات نفت بندر خارک، با اجاره هواپیماهای سوپر اتاندارد فرانسوی و خرید موشک‌های اگزوست که با ردیابی کشتی‌ها از ۷۰ کیلومتری، آنها را مورد اصابت قرار می‌داد، به بندر خارک حمله برد. جهادگران با ساخت رفلکتور که حاوی دو سطح دیش مانند عمود بر هم بود، به فریب موشک‌های اگزوست نائل آمدند و پیش از اصابت موشک‌های اگزوست به تأسیسات بندری خارک، با انعکاس امواج در سطوح عمود بر هم، سطحی همچون کشتی را به رادار موشک منتقل می‌کردند که موشک نیز به سمت رفلکتور آمده به آن اصابت می‌کرد (البته در ادامه، جهادگران، با قرار دادن چند رفلکتور کنار هم، کاری کردند که رفلکتور ۱۵.۰۰۰ تومانی آنها در جریان زیر آب بردن موشک‌های ۱۵ میلیون دلاری اگزوست، سالم مانده، منهدم نشود).



جهادگران از سویی به دلیل محدودیت‌های مالی و از سوی دیگر به سبب تحریم‌های جهانی علیه ایران، در خیلی از موارد مجبور بودند تا با امکانات بومی و خلاقیت‌های خویش به حل مسائل نائل آیند.

برای مثال جابه‌جا کردن نی‌های هور روی دیواره دژها یا جاده‌هایی که در هور ساخته می‌شد، مانع از شسته شدن دیواره‌های دژ یا کناره‌های جاده‌ها می‌شد. همچنین نصب چند لوله سوراخ‌دار روی رودخانه، به تصفیه رودخانه از مواد نفتی احتمالی که می‌توانست روی رودخانه ریخته و آتش زده شود، می‌انجامید. یکی از مشکلات دیگری که نیروهای ایرانی با آن مواجه بودند این بود که تجهیزات پیشرفته نیروی هوایی عراق با دریافت علائم الکترونیکی قلب هاگ ایران (که مرکز هدایت پدافند هوایی بود)، امکان بمباران آن را به دست می‌آورد که با ترفند ساده پوشش دادن قلب هاگ با تیرک‌های چوبی و فلس‌های روی آن، در عمل تجهیزات پیشرفته عراق را با شکست مواجه ساخت.



۱۴۶

ساخت موشک، فراز مهم دیگری بود که مرکز تحقیقات جهاد سازندگی موفق به انجام آن شد.



نگارنده پس از نمایش اجمالی آنچه از آن یاد شد، از دانشجویان خواست تا تأثیر اطلاعات ارائه‌شده را روی خودشان شرح دهند. دانشجویان در گزارش اثرات اطلاعات ارائه‌شده، به ارائه پاسخ‌هایی کیفی اقدام کردند که این پاسخ‌ها را می‌توان در کدبندی نهایی در مقوله‌های احساس خودباوری، احساس غرور ملی، تغییر نگرش، یافتن نگاه واقع‌بینانه نسبت به تحولات جامعه، تعمیق هویت فردی دانشجویان، تعمیق هویت تاریخی دانشجویان، افزایش اعتماد به نفس، تشویق خلاقیت‌ها الگویابی دانشجویان، رفع ناامیدی، مقاوم‌سازی در برابر هجوم فرهنگی غرب، ممانعت از غرب‌زدگی دانشجویان، یافتن نگاه



پرامید به آینده، تعمیق هویت دینی دانشجویان، طبقه‌بندی کرد. نمونه‌هایی از اظهار نظر دانشجویان در این زمینه به قرار زیر است:

#### احساس خودباوری

وقتی افراد تکیه‌گاهی نداشته باشند، خود به خود به بیگانگان تکیه می‌کنند و تحت نفوذ و زیر سلطه آنان درمی‌آیند. به نظر من وقتی ما از واقعیات تاریخی خودمان باخبر بشویم، این امر احساس خود اتکایی ما را به‌دنبال خواهد داشت.

#### احساس غرور ملی

من وقتی تصاویری را که شما به ما نشان دادید، دیدم، اولاً پیش خودم احساس غرور کردم و ثانیاً به خودم گفتم، چقدر بد بوده است که من تا به حال هیچ علاقه‌ای به شناخت تاریخ معاصر کشورم نشان نداده‌ام.

من در مورد جنگ چیزی نمی‌دانستم و فقط می‌دانستم مثلاً بزرگراه شهید چمران در تهران وجود دارد و دنبال این هم نبودم که ببینم دکتر چمران واقعاً چه کسی بوده است و چه زندگی داشته است، اما با دیدن تصاویری که به نمایش درآمد، تازه فهمیدم دکتر چمران و خیلی‌های دیگر چه قهرمانانی هستند و با تحمل چه مرارت‌ها و سختی‌هایی استقلال کشور را حفظ کردند و باید به این افراد افتخار کنیم.

#### تغییر نگرش

پدر خود من در جنگ شرکت داشت و از شما چه پنهان، من پدرم را به‌دلیل شرکت در جنگ مواخذه می‌کردم، ولی وقتی با دیدن تصاویر فعالیت‌های جهاد سازندگی در جریان کار آنها قرار گرفتم و دیدم که آنها بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی، تنها و تنها به‌خاطر رضای خدا چه کارهای بزرگی انجام داده‌اند، واقعاً نظرم نسبت به پدرم و کلاً جنگ عوض شد.

خود من با اینکه نسل سوم انقلاب به حساب می‌آیم و تا حدودی نزدیک‌تر از سایر دانشجویان کلاس به مسئله جنگ بودم، ولی به‌دلیل طرح موضوع‌های کلیشه‌ای که در مورد جنگ در رسانه‌ها مطرح می‌شد، مایل نبودم که هیچ‌گونه ارتباطی با این مسئله برقرار کنم. ولی پس از طرح آنچه شما به شکل مستند با تصاویر مختلف در کلاس در مورد جنگ مطرح کردید، احساس منفی خودم را نسبت به جنگ را از دست دادم و پیش خودم گفتم، بد نیست من هم در زمینه کارهای پژوهشی خودم، به مقوله جنگ هم توجهی داشته باشم و به بررسی موضوع‌هایی در زمینه جنگ بپردازم.

### یافتن نگاه واقع‌بینانه نسبت به تحولات جامعه

من به دلیل اینکه احساس می‌کنم رسانه‌های داخلی در مورد جنگ و شهدا همواره با اغراق و بزرگ‌نمایی صحبت می‌کنند، توجه چندانی به آنچه رسانه‌ها مطرح می‌کردند، نمی‌کردم، زیرا از اغراق و بزرگ‌نمایی آنها خوشم نمی‌آمد. حتی گاهی شاهد بودم که دوستانم از جنگ و دستاوردهای آن با تمسخر یاد می‌کنند. ولی وقتی در کلاس با نگاهی منصفانه، ضمن بیان ضعف‌های جنگ، نقاط قوت آن نیز مطرح شد، من تازه متوجه دستاوردهایی شدم که می‌توانند در هویت‌بخشی به من و سایر جوان‌ها کمک زیادی کنند و در ما احساس غرور پدید بیاورند.

#### تعمیق هویت فردی (دانشجویان)

من با دیدن دستاوردهایی از تاریخ ایران، پیش خودم به این نتیجه رسیدم که پیوند خوردن با ریشه‌های تاریخی، تا چه حد هویت‌بخش است و ما اگر بخواهیم کسی را بی‌هویت کنیم، فقط کافی است رابطه او را با گذشته تاریخی خودش قطع کنیم. به نظر من خیلی از مشکلاتی که افراد و خاصه جوانان دارند، به این مسئله برمی‌گردد که آنان از گذشته خودشان اطلاعات چندانی ندارند و نمی‌دانند نسل‌های پیشین آنها چگونه زندگی کرده‌اند. اما همین افراد در مواجهه معقول با دستاوردهای پیشینیان خودشان، ضمن یافتن علاقه به گذشته کشور و مردم‌شان، حتی ممکن است آنان را وادارد که راه آنها را ادامه دهند.

#### تعمیق هویت تاریخی (دانشجویان)

من خودم حس بدی نسبت به خودم، مردم جامعه و کشورم داشتم، ولی با کسب اطلاع از برخی از فرازهای تاریخ ایران، احساس بدی که داشتم، ناگهان جای خودش را با احساس غرور عوض کرد و احساس کردم، کشور من هم حرفی برای گفتن در جهان دارد.

#### افزایش اعتماد به نفس

به نظر من این‌دست از اطلاع‌رسانی‌ها برای جوانانی که مشکل هویتی دارند یا از احساس عزت نفس کمی برخوردارند و احساس خودکارآمدی و اعتماد به نفس آنها پایین است، اثر سودمندی دارد و از مشکلات آنها خواهد کاست و آنان را به آینده امیدوارتر خواهد کرد.

اطلاعات تاریخی که ما در سر کلاس با آن روبرو شدیم، احساس غرور و ارزشمندی

را برای ما به ارمغان می‌آورد و من فکر می‌کنم آدم با دیدن این دستاوردها اعتماد به‌نفسش بیشتر می‌شود و می‌تواند به سمت انجام کارهای خارق‌العاده‌ای برود که تا به حال انتظار آن را از خودش نداشت.

#### تشویق خلاقیت‌ها

وقتی من دیدم که جوانان هم سن و سال خودم، در گذشته‌ای نه چندان دور، با امکانات بسیار محدود، دست به‌انجام چه کارهای بزرگی زدند، در خودم احساس توانمندی و اعتماد به‌نفس می‌کنم و فکر کردن به آنها سبب می‌شود خودم تحریک شوم که دست به کارهای پرخطر و ریسک‌دار بزنم و با پذیرش سختی‌ها، کار خودم را پیش ببرم و آنها را محقق کنم.

#### الگویابی

ملاحظه جوانانی که با کمترین امکانات، دست به ساختن پل‌ها و ادوات نظامی پیشرفته و حتی موشک زدند، الگوی ارزشمندی را در برابر جوانان به‌نمایش می‌گذارد.

من خودم شخصاً فکر می‌کردم در دوره جنگ در ایران، تنها و تنها نیروی انسانی غیرآموزش دیده شرکت داشتند، در حالی که با دیدن دستاوردهایی که از کارهای جهاد سازندگی، ستاد جنگ‌های نامنظم دکتر چمران و شرکت ملی نفتکش در کلاس مطرح شد، من دریافتم که ما در جنگ نیروهای کارآمد و فرهیخته‌ای هم داشتیم که در سخت‌ترین بحران‌ها و با کمترین امکانات، موفق به شکستن بن‌بست‌های فراروی‌شان شدند و این مسئله می‌تواند الگوی مناسبی برای همه جوانان باشد.

#### رفع ناامیدی

دیدن عظمت‌هایی که جوانان این مرزوبوم پدید آوردند، از شدت ناامیدی و یاسی که وجود بسیاری از جوانان را فراگرفته است، می‌کاهد و آنان را به آینده فراروی‌شان، دلگرم می‌کند.

#### مقاوم‌سازی در برابر هجوم فرهنگی غرب

در شرایطی که رسانه‌های غربی ایران‌ستیزی را در دستور کار خود قرار داده‌اند و در برخی از موارد به وارونه‌سازی واقعیات جامعه می‌پردازند، طرح ارزش‌هایی که در سطح مردم کشورمان تحقق یافته است، می‌تواند برای جوان و جامعه هویت‌بخش باشد و آنان را در برابر هجوم فرهنگی بیگانه واکسینه کند.

## ممانعت از غرب‌زدگی (دانشجویان)

من در سطح جوانان می‌بینم که بسیاری از آنان گاهی تصور خوبی از کشور خودشان ندارند و شاید یکی از دلایل این امر، محدود بودن اطلاعات تاریخی آنها به سلسله‌های پهلوی و قاجار باشد. اما اطلاع از سوابق تاریخی ایران، سبب می‌شود، جوانانی که ارزش را در غرب و غرب‌زدگی می‌بینند، متوجه گذشته خودشان بشوند و ببینند آنچه را که در غرب دنبال آن هستند، می‌توانند در وطن خودشان پیدا کنند.

یافتن نگاه پرامید به آینده

آدم با دیدن دستاوردهای افتخارآمیز گذشتگان، احساس غرور می‌کند و پیش خودش می‌گوید، ما در زمان گذشته چه ملت پرافتخاری بوده‌ایم و باز هم می‌توانیم افتخارآفرینی داشته باشیم.

تعمیق هویت دینی دانشجویان

جهادگران مسلمان با به‌نمایش نهادن دستاوردهای خلاق و ارزشمند خویش، در عمل الگویی از یک مسلمان متعهد را به‌دست می‌دهند و باید به مکتبی که این افراد را تربیت کرده است، آفرین گفت.

اگرچه تحلیل یافته‌های کیفی به‌دست آمده به‌صورت تحلیل مضمون انجام پذیرفت، اما اگر داده‌های کیفی به‌دست آمده را بر مبنای ارزش‌گذاری‌های مثبت و خنثی پاسخ‌دهندگان (ارزش‌گذاری منفی در ارزیابی اولیه دانشجویان وجود نداشت)، طبقه‌بندی کنیم، در عمل به یک جدول دو در دو دست می‌یابیم که می‌توان با تحلیل آماری مربع کای، به محاسبه معناداری یا عدم معناداری آن پرداخت. جدول حاصل از ارزش‌گذاری کمی به‌قرار زیر بود:

جدول ۱: ارزش‌گذاری کمی یافته‌های کیفی پژوهش<sup>۱</sup>

موقعیت	خنثی	مثبت	مجموع
پیش از دیدن تصاویر دستاوردهای جهادگران	۱۵	۵	۲۰
پس از دیدن تصاویر دستاوردهای جهادگران	۲۵	۸۵	۱۱۰

۱. در مرحله نخست تنها ۲۰ دانشجو از ۱۱۰ نفر نسبت به جهاد سازندگی دارای سابقه ذهنی بوده‌اند و اظهارنظر نموده‌اند، اما در مرحله دوم، تمامی دانشجویان پس از ملاحظه دستاوردهای درخشان جهادگران جهاد سازندگی در دوران جنگ، اظهارنظر نموده‌اند. از این رو جمع ۱۳۰، ماحصل دوباره اظهارنظر پیش از دیدن تصاویر و پس از دیدن تصاویر توسط دانشجویان است.

مربع کای حاصل از یافته‌های شمارشی برابر ۱۶/۹ است که در سطح ۵٪ معنادار است، به تعبیر دیگر، ارزیابی دانشجویان پس از اخذ اطلاعات تصویری در مورد خلاقیت‌های جهادگران جهاد سازندگی به شکل معناداری مثبت‌تر از زمانی است که آنان اطلاعات مزبور را به دست نیاورده بودند.

## ۵. نتایج پژوهش

بررسی‌های اولیه انجام شده بر وجود اختلال در روند هویت‌یابی بهینه و مطلوب نوجوان و جوان ایرانی دلالت دارد و در حالی که الگوهای خارجی در اشکال بسیار جذاب، فراگیر و گسترده‌ای مطرح می‌گردند، الگوهای داخلی برای نوجوانان و جوانان به شکل نامناسبی مطرح می‌گردند.

برخی از پژوهش‌های جامعه‌شناختی انجام گرفته دال بر آن است که تشتت فرهنگی جامعه به بحران هویت آن می‌انجامد. به این معنا که ضعف فرهنگی و ناتوانی یک جامعه در سامان دادن به مبادلات فرهنگی پویا با دیگر فرهنگ‌ها، این جوامع را در موضعی انفعالی قرار داده، سبب می‌شود جوامع مزبور در غالب مواقع به شکل یک‌طرفه، دیدگاه‌های فرهنگی جوامع دیگر را بپذیرند که این مسئله بحران فرهنگی و بحران هویت آنها را در بر خواهد داشت. (کاردینال<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲)

اشرفی نیز در رساله کارشناسی ارشد خود با عنوان «بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غرب، بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگ غربی در تهران» نتیجه گرفته است که ضعف و ناکامی نظام اجتماعی در ایجاد زمینه برای شکل‌گیری احساس هویت اجتماعی در نوجوانان، به احساس بی‌هویتی اجتماعی آنان و در نتیجه، هویت‌یابی در قالب گرایش‌های ایستاری، کنشی و نمادی به الگوهای غربی) می‌انجامد (اشرفی، ۱۳۷۷)

بی‌توجهی نظریه‌پردازان هویت به مقوله هویت تاریخی سبب شد پژوهشگر ضمن طرح مفهوم هویت تاریخی، به بررسی تجربی آن بپردازد. به این ترتیب، که با استخراج نمونه‌ای از الگوهای جهادی، آثار هویت‌بخش هویت تاریخی را در سطح جوانان مورد بررسی قرار دهد.

از این‌رو پژوهش حاضر ضمن طرح مفهوم جدید «هویت تاریخی» در عرصه نظریات

هویت، در عمل گام مؤثری در جهت تأیید تجربی مفهوم اخیر برداشته است. به این معنا که نگارنده با توجه به اهمیت وافر الگوها، خاصه الگوهای دوران جنگ که از بُعدی حماسی نیز برخوردارند، کوشید تا با استخراج و معرفی برخی از الگوهای مطرح‌نشده جنگ، در عمل توانایی این الگوها در جریان هویت‌بخشی جوان ایرانی را مورد بررسی قرار دهد. از این رو پژوهشگر پس از آنکه دریافت، مرکز تحقیقات جهاد سازندگی، کار مدونی روی خلاقیت‌های جهادگران نداشته است، پس از انجام قریب به ۸۰ مصاحبه با سرداران جهاد سازندگی در دوران جنگ، خلاقیت‌های آنان را احصا کرد و طی برنامه‌ای این خلاقیت‌ها را برای ۱۱۰ نفر از دانشجویان به صورت تصویری به نمایش درآورد.

نتایج حاصل از بررسی مضامین ارائه‌شده توسط دانشجویان، حکایت از اثرگذاری این الگوهای خلاق در سطح دانشجویان بود. از سوی دیگر، نتایج اخیر در جریان کمی کردن داده‌های کیفی و محاسبه مربع کای در سطح آنها، مؤید تفاوت آماری معنادار اظهارنظر دانشجویان در قبل و بعد از آشنایی آنان با دستاوردهای جهادگران سازمان جهاد سازندگی بود. البته گفتنی است که برای تداوم بخشیدن آثار ایجادشده، ضرورت دارد که دستاوردهای اخیر به صورت‌های مختلف نماهنگ، کلیپ، فیلم و مانند آنها، برای جمعیت هدف مطرح شوند.

بنابراین در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان نتیجه گرفت، در صورت طرح مناسب الگوهای حماسی جنگ (چه در صورت فردی و چه در صورت سازمانی)، این امید می‌رود که موارد مزبور در روند هویت‌یابی جوانان مؤثر باشد و به سهم خود، آنان را در روند کسب هویتی ارزشمند یاری رساند، هویتی که پادزهر درغلتیدن جوانان به سمت ناراستی‌ها و کژکار کردی‌ها است.

## منابع

۱. آشینان، زهرا. (۱۳۸۲). روزگاران، کتاب مادران شهید. تهران: روایت فتح.
۲. اشرفی، ابوالفضل. (۱۳۷۷). بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غرب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس.
۳. تواضعی، جابر. (۱۳۸۸). روزگاران، کتاب پرستاران. چاپ ۲. تهران: روایت فتح.
۴. حیدری دلگرم، محمدعلی. (۱۳۸۸). کاروان گمنام. ج ۶: سرپل ذهاب. همدان: برکت کوثر.
۵. خضری، فرهاد. (۱۳۸۹ الف). مرگ از من فرار می‌کند. کتاب همت. چاپ ۷. تهران: روایت فتح.
۶. خضری، فرهاد. (۱۳۸۹ ب). به مجنون گفتم زنده بمان. کتاب حمید باکری. چاپ ۷. تهران: روایت فتح.
۷. دلاور، علی. (۱۳۷۳). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. چاپ ۵. تهران: پیام‌نور.
۸. سرمد، زهره؛ عباس بازرگان و الهه حجازی. (۱۳۷۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه.
۹. کازرونیان، بتول. (۱۳۸۹). روزگاران، کتاب زنان خرمشهر. چاپ ۴. تهران: روایت فتح.
۱۰. گیویان، عصمت. (۱۳۷۶). راز یاس‌های کبود. تهران: دبیرخانه دائمی کنگره بررسی نقش زنان در دفاع و امنیت.
۱۱. رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۶). توسعه و تضاد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی. تهران: سروش.
۱۳. مافی، فرزانه. (۱۳۷۶). آشنایان ناآشنا، بررسی نقش زنان در پیشبرد اهداف دفاع مقدس. تهران: دبیرخانه دائمی کنگره بررسی نقش زنان در دفاع و امنیت.
۱۴. مرج، علی. (۱۳۸۹). نیمه پنهان ماه، بابایی به روایت همسر شهید. چاپ ۱۱. تهران: روایت فتح.
۱۵. منصور، محمود و پریرخ دادستان. (۱۳۶۹). روان‌شناسی ژنتیک. جلد دوم. تهران: ژرف.
۱۶. منطقی، مرتضی. (۱۳۷۲ الف). نقش اسوه‌ها در حفظ فرهنگ جبهه‌ها. همایش بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس.
۱۷. منطقی، مرتضی. (۱۳۷۲ ب). عوامل مؤثر در تحول‌های شخصیتی جوانان انقلاب اسلامی. سمینار تهاجم فرهنگی وزارت ارشاد.
۱۸. منطقی، مرتضی. (۱۳۷۴). کنترل سیاسی و کنترل درونی. سمینار توسعه فرهنگی. وزارت ارشاد اسلامی.
۱۹. منطقی، مرتضی. (۱۳۷۸). بررسی الگوهای برخورد با خرده فرهنگ جوانان. سمینار نقش و جایگاه دولت در توسعه فرهنگی. سازمان برنامه و بودجه.
۲۰. منطقی، مرتضی. (۱۳۷۹). نگاه دوباره‌ای به روند جامعه‌پذیری جوانان انقلاب اسلامی. همایش بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی. اداره کل فرهنگ ارشاد اسلامی تهران.

۲۱. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۱ الف). جامعه‌پذیری ضدجامعه‌پذیری. مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی. تهران: محراب قلم.
۲۲. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۱ ب). بن‌بست آرمان‌گرایی. همایش ملی مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش. وزارت آموزش و پرورش. ۲۰ و ۲۱ خرداد ماه ۱۳۸۱.
۲۳. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۲ الف). بحران هویت دختران (گزارش تحقیق، چاپ نشده). پژوهشکده علوم انسانی - اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۲۴. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۲ ب). مقاومت فرهنگی (گزارش تحقیق، چاپ نشده). پژوهشکده علوم انسانی - اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۲۵. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۳ الف). روان‌شناسی نسل سوم انقلاب (گزارش پژوهش). شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲۶. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۳ ب). رفتارشناسی جوان در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب. تهران: پژوهشکده علوم انسانی - اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۲۷. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۳ پ). روان‌شناسی جوانان ایران بعد از انقلاب. مجموعه مقالات «جوانان و مناسبات نسلی در ایران». تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۲۸. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۳ ج). هنجارآفرینی‌های جدید جوان انقلاب اسلامی: راه پیوند یا گسست؟ همایش ملی مناسبات نسلی در ایران. پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی.
۲۹. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۳ د). از مقاومت فرهنگی تا مقاومت قهرآمیز. همایش ملی مناسبات نسلی در ایران. پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی.
۳۰. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۳ ل). فرصت‌ها و تهدیدها در جهانی شدن. همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. اردیبهشت ۱۳۸۳.
۳۱. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۳ م). از هویت ایدئولوژیک تا هویت متعارض (گزارش پژوهش). مرکز مشارکت امور زنان.
۳۲. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۳ ن). تفاوت‌های نسلی در گذر جهانی شدن. همایش ملی مناسبات نسلی در ایران. پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی.
۳۳. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۳ ی). جنگ در دو نگاه متفاوت. در مجموعه مقالات: سی و چهار مقاله در نقد و بررسی فرهنگ جبهه. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۳۴. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۸ الف). چت‌روم‌های ایرانی، جوانان و اولیا. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
۳۵. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۸ ب). در راه پیوند نسلی. مجموعه مقالات کندوکاو در مسائل جوانان و مناسبات نسلی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۳۶. منطقی، مرتضی. (۱۳۸۹). تحلیل محتوای کلیپ گوشی تلفن همراه دانشجویان دختر دانشگاه



- تربیت معلم. ارائه شده به پنجمین همایش بهداشت روانی دانشجویان. دانشگاه شاهد.
۳۷. منطقی، مرتضی. (۱۳۹۰). زن شرقی، مرد غربی: روان‌شناسی اختلافی زن و مرد. تهران: بعثت.
۳۸. منطقی، مرتضی. (۱۳۹۲). بررسی دلایل افزایش یا کاهش دینداری دانشجویان: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه خوارزمی. پژوهش‌های کاربردی روان‌شناسی. مجله پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی. سال چهارم. شماره ۲.
۳۹. منطقی، مرتضی. (۱۳۹۳ الف). چالش‌های کاربردی از فضای مجازی در ایران. ارائه شده در هشتمین همایش علمی دفتر همکاری حوزه‌های علمیه و آموزش و پرورش. تربیت اسلامی و فضای مجازی: چالش‌ها و راهکارها. قم.
۴۰. منطقی، مرتضی. (۱۳۹۳ ب). بررسی نگرش دانشجویان به کاربردی از فناوری‌های ارتباطی فیس‌بوک، شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه و ماهواره. ارائه شده در هفتمین همایش بهداشت روان دانشجویان. دانشگاه صنعتی اصفهان.
۴۱. منطقی، مرتضی. (۱۳۹۳ ج). ضرورت بسترسازی فرهنگی در کاربردی دانشجویان از شبکه اجتماعی وی‌چت (چت مبتنی بر تلفن همراه). ارائه شده در هفتمین همایش بهداشت روان دانشجویان. دانشگاه صنعتی اصفهان.
۴۲. منطقی، مرتضی. (۱۳۹۳ چ). شکل‌گیری هویت شبکه‌های در دانشجویان. ارائه شده در هفتمین همایش بهداشت روان دانشجویان. دانشگاه صنعتی اصفهان.
۴۳. نصراللهی، منیژه. (۱۳۷۶). فرمانده قلب‌ها، خاطرات زندگی سردار شهید محمد آرمان. کرمان: کنگره بزرگداشت سرداران و هشت هزار شهید استان کرمان و سیستان و بلوچستان.

44. Adams, G. R.; M. D. Berzonsky & L. J. Keating. (2006). Psychosocial Resources in First-Year University Students: The Role of Identity Processes and Social Relationships. *Journal of Youth and Adolescence*. V 35. NO: 1. p 78-88.
45. Berzonsky, M. D. (1985). Diffusion Within Marcia's Identity-Status Paradigm: Does It Foreshadow Academic Problems? *Journal of Youth and Adolescence*. V 14. NO: 6. p 527-538 Dec 1985.
46. Berzonsky, M. D.; K. G. Rice. & G. J. Neimeyer. (1990). Identity Status and Self-Construct Systems: Process X Structure Interactions. *Journal of Adolescence*. V 13. No: 3. p 251-263.
47. Cardinal, L. J. (2002). *Cultural Identity and Language Retention: Traditional and Contemporary Tensions*. University of Alberta (Canada).
48. Santrock, J. W. (2008). *Adolescence*. 12<sup>th</sup> ed. New York: MC Graw- Hill.
49. Santrock, J. W. (2008). *Essentials of Life-span Development*. New York: MC Graw- Hill.
50. Shaffer, D. R. (1996). *Developmental Psychology, Child and Adolescence*. 4<sup>th</sup> ed. London: Brooks/ Cole.